

(خشونت و پر خاشگری در کودکان: علل، عوامل و راهکارها، نقش خانواده و وظیفه معلم)

(فاطمه جعفری دهکردی)

(لیسانس روانشناسی دانشگاه پیام نور شهرکرد)

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی عوامل و راهکارهای مرتبط با خشونت و پر خاشگری در کودکان می‌پردازد و همچنین نقش مهم خانواده و معلم در پیشگیری از این مسئله را بررسی می‌کند. در ابتدا، عللی که منجر به خشونت و پر خاشگری در کودکان می‌شوند، شرح داده می‌شود که شامل عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی است که نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز در کودکان ایفا می‌کنند. همچنین، تأثیر رسانه‌ها و فرهنگ جامعه در افزایش خشونت در بین کودکان نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، راهکارهای پیشگیری و کاهش پر خاشگری در کودکان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند که شامل آموزش و آگاهی‌بخشی، تقویت مهارت‌های اجتماعی، همکاری با سازمان‌های مربوطه و تغییر فرهنگ جامعه است. برنامه‌های آموزشی، کمپین‌های رسانه‌ای و تلاش‌های دولتی و غیردولتی در جهت افزایش آگاهی جامعه درباره ی پر خاشگری در کودکان نقش مؤثری ایفا می‌کنند. در بخش بعدی، نقش خانواده در پیشگیری از خشونت و پر خاشگری در کودکان مورد بررسی قرار می‌گیرد. نقش والدین در ارائه حمایت، ایجاد ارتباط صمیمی و آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان برای پیشگیری از خشونت بسیار حائز اهمیت است. در پایان، نقش معلمان به عنوان عوامل آموزشی و راهنمایی در پیشگیری از خشونت و پر خاشگری در کودکان بررسی می‌شود. معلمان با توانایی‌های شناختی و اجتماعی‌شان می‌توانند به فرایند آموزش و تربیت کودکان مطابق با اصول پیشگیری از خشونت، نقش فعال داشته و مهارت‌های ارتباطی، حل تعارض و مدیریت خشم را به کودکان آموزش دهند. به طور کلی، این مقاله اهمیت خشونت و پر خاشگری در کودکان را برجسته می‌کند همچنین به ارائه ی عوامل مختلف، راهکارهای پیشگیری و کاهش این مشکل می‌پردازد و نقش مهم خانواده و معلمان در این فرآیند را نمایان می‌کند. امید است که این مقاله باعث شناخت بهتر جامعه درباره خشونت و پر خاشگری کودکان شده و تلاش‌های مستمر برای پیشگیری و آموزش بهتر از سوی خانواده‌ها و سیستم آموزشی را ترویج کند.

کلمات کلیدی: خشونت، کودکان، معلم، خانواده

مقدمه:

خشونت و پرخاشگری در کودکان یکی از مسائل مهم و جدی در جامعه است که تأثیرات عمده‌ای بر روند رشد و توسعه سالم کودکان دارد. این مسئله یک بحران اجتماعی به شمار می‌رود و نیازمند توجه و بررسی دقیق توانمندی‌ها، علل و عوامل آن، و راهکارهای موثر برای پیشگیری و مداخله است. این مقاله به بررسی علل و عوامل خشونت و پرخاشگری در کودکان، نقش خانواده و وظیفه معلم در این زمینه می‌پردازد.

خشونت، به طور کلی، فقط به خشونت و تعرضات جسمانی و فیزیکی محدود نمی‌شود، همانطور که در ذهن عمومی تصور می‌شود. اکثر افراد شلاق، ضرب و شکنجه و درگیری‌های فیزیکی را به عنوان نماد خشونت در نظر می‌گیرند، در حالی که تعریف و شکل‌های مشهود خشونت برآمده از لایه‌های گسترده‌تری از رفتارهای انسانی را شامل می‌شود. این شامل خشونت کلامی نیز می‌شود (Megargee and Hokanson, 1997).

ضرورت پژوهش:

1. شناخت بهتر علل و عوامل خشونت و پرخاشگری در کودکان: نیازمندیم به تحقیقات بیشتر در این زمینه است تا علل و عوامل دقیق‌تری که منجر به خشونت و پرخاشگری در کودکان می‌شوند، شناخته شوند. این تحقیقات می‌توانند به تدابیر و راهکارهای مؤثرتر در جلوگیری از این مسئله کمک کنند.

2. ارزیابی اثربخشی راهکارها و برنامه‌ها: لازم است تا ارزیابی‌های علمی درباره اثربخشی راهکارها و برنامه‌های پیشگیری و کاهش خشونت و پرخاشگری در کودکان انجام شود. این پژوهش‌ها می‌توانند به تدابیر بهتر و مؤثرتر در این زمینه هدایت کنند و ما را قادر به انتخاب رویکردهای مناسب‌تر برای مقابله با خشونت در کودکان سازگار با نیازها و شرایط جامعه کنند.

3. تأثیر خانواده و محیط آموزشی: تحقیقات بیشتر درباره نقش مؤثر خانواده و محیط آموزشی در پیشگیری از خشونت و پرخاشگری در کودکان ضروری است. این تحقیقات می‌توانند نقش والدین، معلمان و دیگر عوامل آموزشی را در جلوگیری از خشونت بررسی کنند و راهکارهای مؤثر در این زمینه را تشخیص دهند.

4. توسعه برنامه‌های آموزشی مناسب: نیازمندیم به مطالعات بیشتر درباره تأثیر برنامه‌های آموزشی در کاهش خشونت و پرخاشگری در کودکان. این پژوهش‌ها می‌توانند الگوهای آموزشی مؤثرتری را برای تأثیرگذاری در رفتارهای کودکان ارائه دهند و بهبود سیستم آموزشی کمک کنند.

در نهایت، تحقیقات در این حوزه می‌توانند به شناخت بهتر مسائل خشونت و پرخاشگری در کودکان، ارتقای آگاهی جامعه و ایجاد یک جامعه سالم‌تر و پاسخگوتر نسبت به این مسئله کمک کنند.

پیشینه:

امروزه پرخاشگری یکی از معضلات جدی فرهنگی ما در تمامی سطوح جامعه است. بسیاری از رفتارها با اینکه به آسیب جسمی منجر نمی شوند ولی پرخاشگری محسوب میشوند، از جمله آنها پرخاشگری کلامی است، که می تواند مقدمه خشونت فیزیکی باشد. بروز خشونت کلامی در بین خانواده ها (ملک افضلی، ۱۳۸۶) و مدارس (بازرگان، ۱۳۸۷ و لواسانی، ۱۳۸۶) از فراوانی بسیار بالایی برخوردار است. گزارش رسانه ها و نتایج پژوهش های مختلف از جمله شارپ و اسمیت (Sharp and Smith، ۱۹۹۵)، اولوئوس (Olweus، ۱۹۹۸) و بازرگان (بازرگان، ۱۳۸۸) نشان میدهد که در سالهای اخیر رفتارهای خشونت آمیز کلامی، در میان دانش آموزان و معلمان افزایش یافته است.

مورد اول: عوامل پدیدآورنده آن از نظر دباربیکس (Debarbieux، ۲۰۰۴):

۱. علل و عوامل خشونت و پرخاشگری در کودکان:

الف) فاکتورهای خانوادگی: محیط خانواده، نقش والدین در تربیت کودکان، عدم استفاده از روش های صحیح تربیتی، ناپایداری خانوادگی و وجود خشونت در خانواده.

خشونت کلامی درون خانواده ها، محیط های شغلی و آموزشی، بین دانش آموزان و حتی در میان دوستان قابل مشاهده است و ممکن است منجر به ایجاد روابط دشمنانه و تنش آمیز شود. پیامبر اکرم (ص) نیز در این باره فرموده اند: "زبان از عجایب صنعت خداست؛ هرچند گناهش کوچک است، اما طاعت و جایزه ای که بدست می آید بزرگ است؛ زیرا ایمان و کفر جز با شهادت آن آشکار نمی شود و نمی توان به برخی از امور دو جهان بدون راهنمایی و ضرورت زبان دست یافت" (شعبه الحرانی، ۱۳۵۴).

ب) فاکتورهای اجتماعی: تأثیر همسالان، فرهنگ سازمانی خشونت آمیز، فقر و عدم دسترسی به منابع اقتصادی، شرایط زندگی نامساعد و بی سرپرستی.

نظر به اینکه خشونت کلامی به هر رفتاری دلالت دارد که بتواند موجب وهن حیثیت کسی در نظر افراد جامعه شود، از این رو این عمل نه تنها از نظر حقوقی، بلکه از نظر اخلاقی و مذهبی نیز مذموم و ناپسند شمرده میشود و تعرضی به شخصیت معنوی انسان است و اگر به طور شایع از افراد جامعه سر بزنند، به احتمال زیاد زمینه را برای بروز خشونت های فیزیکی فراهم میکند. بنابراین، برای پیشگیری از بروز رفتارهای خشونت آمیز فیزیکی، شناسایی انواع خشونت های کلامی و عوامل پدیدآورنده آن در بین جوانان میتواند در امر پیشگیری کارساز باشد. برجسته ترین گونه پیشگیری از نوع کنشی، پیشگیری اجتماعی نام دارد. پیشگیری اجتماعی مجموعه ای از اقدامهایی است که مهار عوامل اثرگذار در شکل گیری جرم را دنبال می کند (کاری و یو، ۱۳۸۲، به نقل از نجفی ابرند آبادی).

ج) فاکتورهای روانشناختی: عدم کنترل عاطفی، ناتوانی های تحصیلی، اضطراب و افسردگی و عدم ارتباط احساسی قوی با

دیگران.

خشونت در ابتدا در ذهن شکل می گیرد و براساس گفتمان فرهنگی جامعه تأسیس می شود. در واقع، روش های خشونت آمیز باید در ساختارهای فیزیکی- فرهنگی جامعه جستجو شوند. امروزه، اگرچه به دلایل فرهنگی، خشونت فیزیکی کمتر از گذشته قابل مشاهده است، اما خشونت های روانی- کلامی همواره در ساختار فرهنگی جامعه پنهان می ماند و باعث آسیب رساندن به تعداد زیادی از قربانیان می شود (محمدی، ۱۳۸۵).

2. راهکارهای پیشگیری و مداخله:

الف) آموزش و توعیه: برگزاری کلاس های آموزشی برای والدین و معلمان در خصوص روش های صحیح تربیتی و حل و فصل مسائل، آگاهی رسانی جامعه درباره خشونت و پرخاشگری در کودکان، ارائه اطلاعات به کودکان در مورد حقوق و احترام به دیگران.

ب) توانمندسازی خانواده: ارائه مشاوره خانواده، ارتقاء روابط خانوادگی سالم و ارائه راهکارهای موثر برای حل مناسب و پایدار مشکلات خانوادگی.

عواطف و ارتباطات مؤثر، تقویت خودکنترل و تمرکز، تشویق به تعامل مثبت با دیگران و توسعه استعداد های اجتماعی در کودکان.

3. نقش خانواده در پیشگیری از خشونت و پرخاشگری:

الف) ارتباط عمیق با کودک: برقراری ارتباط عاطفی قوی با کودکان، گفتگو و گوش دادن فعال به آنها، ابراز علاقه و حمایت به آرزوها و خواسته های کودکان.

ب) ارائه مدل های صحیح رفتاری: نشان دادن رفتارهای مناسب و غیر خشونت آمیز، یادآوری ارزش ها و اصول اخلاقی، تقویت حل مسئله و مذاکره صلح آمیز.

ج) محدود کردن دسترسی به محتوای خشونت آمیز: نظارت بر استفاده کودکان از رسانه ها و حفاظت از آنها در برابر محتوای خشونت آمیز و مضر.

4. نقش معلم در پیشگیری و مداخله در خشونت و پرخاشگری:

گرایگاه پیشگیری زودرس را میتوان آموزش و پرورش در معنای گسترده آن دانست. به همین جهت آن را میتوان یک پیشگیری آموزشی و پرورشی نامید (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲)

الف) آموزش مهارت‌های اجتماعی: ارائه درس‌های مهارت‌های اجتماعی در مدارس، تقویت همکاری و تعامل مثبت در کلاس‌ها، تشویق به حل مسائل صلح‌آمیز و رفتارهای خشونت‌آمیز را مورد طرح قرار داد.

ب) شناسایی و مداخله سریع: آگاهی از نشانه‌ها و علائم خشونت و پرخاشگری در کودکان، گزارش واقعیت‌ها و همکاری با سایر کارکنان مدرسه و خانواده‌ها برای مداخله سریع و مناسب.

ج) توانمندسازی معلمان: ارائه آموزش‌های مستمر به معلمان در زمینه شناسایی و مداخله در خشونت و پرخاشگری، تقویت مهارت‌های ارتباطی و مدیریت کلاس.

علل و عوامل خشونت و پرخاشگری در کودکان:

سامانه خصومت و پرخاشگری را میتوان به مثابه یکی از انواع کژ رفتاری‌ها مورد مطالعه قرار داد. عوامل این سامانه شامل خصوصیات ارثی، عوامل زیستی و هورمونی و نیروهای روان شناختی و مشخصه‌های فرهنگی هستند که با یکدیگر در تعامل اند (Hojjat, ۱۹۹۵).

الف) فاکتورهای خانوادگی: محیط خانواده و نقش والدین در تربیت کودکان از جمله عوامل مؤثر در بروز خشونت و پرخاشگری است. برخی عوامل خانوادگی می‌توانند شامل عدم استفاده از روش‌های صحیح تربیتی، ناپایداری خانوادگی و وجود خشونت در خانواده باشند. والدینی که به درستی نتوانسته‌اند روش‌های صحیح تربیت کودک را بیاموزند و اصول اساسی احترام و صلح‌آمیزی را به آن‌ها آموزش ندهند، ممکن است کودکان خشونت‌آمیز و پرخاشگری شوند. همچنین، ناپایداری خانوادگی و وجود خشونت یا سوء استفاده در خانواده می‌تواند زمینه‌ساز بروز خشونت در کودکان باشد.

ب) فاکتورهای اجتماعی: عوامل اجتماعی نیز می‌توانند به بروز خشونت و پرخاشگری در کودکان مرتبط باشند. تأثیر همسالان، فرهنگ سازمانی خشونت‌آمیز در جامعه، فقر و عدم دسترسی به منابع اقتصادی، شرایط زندگی نامساعد و بی‌سرپرستی از جمله عوامل اجتماعی هستند که می‌توانند به افزایش ریسک بروز خشونت در کودکان منجر شوند. بیشترین آمار خشونت و پرخاشگری در مناطقی با شرایط اقتصادی ضعیف، کمبود منابع و نبود شبکه‌های اجتماعی قوی مشاهده می‌شود.

ج) فاکتورهای روانشناختی: عوامل روانشناختی نیز می‌توانند در بروز خشونت و پرخاشگری در کودکان دخیل باشند. عدم کنترل عاطفی، ناتوانی‌های تحصیلی، اضطراب و افسردگی، کمبود مهارت‌های حل تعارض و کمبود ارتباط احساسی قوی با دیگران می‌توانند به رشد خشونت‌آمیز در کودکان مرتبط باشند. کودکانی که ناتوانی‌های تحصیلی دارند یا مشکلات روانشناختی دیگری را تجربه می‌کنند، ممکن است به شکل‌های خشونت‌آمیزی واکنش نشان دهند.

مورد دوم: راهکارهای پیشگیری از خشونت و پرخاشگری در کودکان:

الف) تقویت مهارت‌های اجتماعی:

- آموزش مهارت‌های ارتباطی سالم و حل تعارض به کودکان، از جمله قدرت گفتار، گوش دادن فعال و حل مسئله صلح‌آمیز.
- تشویق به همکاری، همبستگی و تعامل مثبت با دیگران.
- آموزش مهارت‌های مذاکره و رفتارهای خشونت‌آمیز نبودن.

ب) تقویت خودکنترلی و تمرکز:

- آموزش مهارت‌های مدیریت خشم و احساسات منفی.
- تشویق به تمرین خودکنترل و توانمندی در انتخاب رفتارهای صحیح در مواجهه با موقعیت‌های دشوار.

ج) تشویق به تعامل مثبت با دیگران:

- آموزش مهارت‌های اجتماعی، مانند تشخیص و توجه به احساسات دیگران، نشان دادن احترام و برخورداری از کمال توجه.
- ترویج همکاری و تعامل مثبت در بازی‌های گروهی و فعالیت‌های مدرسه.

د) توسعه استعدادهای اجتماعی در کودکان:

- ارائه فرصت‌هایی برای مشارکت در فعالیت‌های گروهی و تیمی.
 - تشویق به شرکت در فرصت‌های آموزشی و اجتماعی خارج از محیط مدرسه، مانند باشگاه‌ها و سازمان‌های جوانان.
- با اجرای راهکارهای فوق، می‌توان به پیشگیری از خشونت و پرخاشگری در کودکان کمک کرد. این راهکارها بر اساس تقویت مهارت‌های اجتماعی، خودکنترل، تمرکز و تعامل مثبت با دیگران متمرکز هستند. با آموزش و تقویت این مهارت‌ها، کودکان قادر خواهند بود روابط سالم‌تری با همسالان خود برقرار کنند، در مواجهه با موقعیت‌های دشوار خشونت‌آمیز کنترل خود را حفظ کنند و به طور صلح‌آمیز با دیگران معاشرت کنند.

مورد سوم: تقویت نقش خانواده و معلمان در پیشگیری از خشونت و پرخاشگری در کودکان:

الف) ارتباط نزدیک با خانواده:

- برقراری ارتباط منظم با والدین و خانواده‌ها به منظور به اشتراک گذاری اطلاعات و آگاهی از رفتار و عملکرد کودکان.

- ارائه فضایی باز برای مشاوره و تبادل نظر با والدین در خصوص رفتارها و نگرش‌های خشونت‌آمیز کودکان.

ب) کلاس‌های آموزشی برای والدین و معلمان:

- برگزاری کلاس‌های آموزشی و کارگاه‌ها برای والدین و معلمان با محوریت شناخت خشونت و پرخاشگری، راهکارهای پیشگیری و مداخله، و ارتباط صحیح با کودکان.

- آموزش تکنیک‌ها و استراتژی‌های مداخله مؤثر در مواجهه با خشونت و پرخاشگری در محیط تحصیلی و خانواده.

ج) مشاوره خانواده:

- ارائه خدمات مشاوره به والدین و خانواده‌ها برای تقویت روابط خانوادگی، مدیریت خشم و استرس خانوادگی، و بهبود کیفیت تربیت کودکان.

- ارائه راهنمایی و پشتیبانی به والدین در مواجهه با چالش‌های خشونت و پرخاشگری کودکان.

د) آموزش مدارس و معلمان:

- ارائه آموزش مستمر به معلمان در خصوص شناسایی نشانه‌ها و علل خشونت و پرخاشگری در کودکان، راهکارهای مداخله فوری، و روش‌های مدیریت کلاس صلح‌آمیز.

- ترویج همکاری و همفکری بین معلمان و سایر کادرهای مدرسه برای مداخله سریع و مؤثر در موارد خشونت و پرخاشگری.

با تقویت نقش خانواده و معلمان، ایجاد محیطی حمایت‌کننده برای کودکان فراهم می‌شود. آموزش و مشاوره به خانواده‌ها و معلمان باعث شناخت بهتر از رفتارهای خشونت‌آمیز کودکان، ارائه راهکارهای پیشگیری و مداخله مؤثر، و تقویت دسترسی به منابع و پشتیبانی لازم می‌شود. همچنین، ایجاد هماهنگی و همکاری بین خانواده‌ها و محیط آموزشی نقش مهمی در پیشگیری از خشونت و پرخاشگری در کودکان دارد. به عنوان مثال:

ه) ارتباط مداوم بین خانواده و مدرسه:

- تسهیل فرآیند ارتباطی بین خانواده و مدرسه، از جمله میان والدین و معلمان، به منظور اطلاع رسانی درباره رفتارها و مشکلات کودکان.

- برگزاری جلسات مشترک بین خانواده و معلمان برای بحث و بررسی موضوعات مربوط به رفتار کودکان و راهکارهای مشترک.

و) همکاری در برگزاری برنامه‌های آموزشی:

- هماهنگی بین خانواده و مدرسه در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی و آموزشی که به پیشگیری از خشونت و پرخاشگری در کودکان می‌پردازند.
- دعوت اعضای خانواده به شرکت در کارگاه‌ها و فعالیت‌های آموزشی مدرسه برای افزایش آگاهی و تقویت مهارت‌های پیشگیری.

ز) تقویت همکاری در رفع مشکلات:

- برقراری سیستمی برای گزارش دادن و پیگیری وقوع موارد خشونت و پرخاشگری در محیط آموزشی به خانواده‌ها و همچنین اعلام و پیگیری نتایج تدابیر اتخاذ شده.
- مشارکت فعال خانواده‌ها در مداخله و رفع مشکلات خشونت‌آمیز، از جمله همکاری با مدرسه در پیگیری و اجرای تدابیر تربیتی.
- با تقویت نقش خانواده و معلمان و ایجاد هماهنگی بین آنها، می‌توان به صورت جامع و موثرتر در پیشگیری از خشونت و پرخاشگری در کودکان دست یافت. همکاری نزدیک بین خانواده و محیط آموزشی بهبود روابط خانوادگی و رفتارهای کودکان را تسهیل می‌کند و منجر به ایجاد محیطی صلح‌آمیز و حامی برای رشد و توسعه سالم کودکان می‌شود.

مورد چهارم، ارتقای آگاهی جامعه در خصوص خشونت و پرخاشگری در کودکان:

ارتقای آگاهی جامعه در خصوص خشونت و پرخاشگری در کودکان، به فرآیندی اشاره دارد که هدف آن ترویج آگاهی و شناخت عمومی درباره مسائل خشونت و پرخاشگری در برابر کودکان است. این ارتقای آگاهی می‌تواند به وسیله تلاش‌های مختلف صورت بگیرد، از جمله:

۱. آموزش عمومی: برگزاری برنامه‌های آموزشی در مدارس، کمپین‌های رسانه‌ای، نشر منابع آموزشی و غیره با هدف اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی درباره خشونت و پرخاشگری در کودکان. این برنامه‌ها با استفاده از مثال‌ها، آمارها، نشانه‌ها و راهکارهای پیشگیری، افراد را با وجود مسئله آشنا می‌کنند و راه حل‌های ممکن را ارائه می‌دهند.
۲. همکاری با رسانه‌ها: برنامه‌های تلویزیونی، فیلم‌ها، کلیپ‌ها و رادیوها می‌توانند به عنوان وسایلی مؤثر در ارتقای آگاهی جامعه درباره خشونت و پرخاشگری در کودکان مورد استفاده قرار گیرند. این رسانه‌ها می‌توانند داستان‌ها، شاهدان، مصاحبه‌ها و مطالب آموزشی را منتشر کنند تا نقش خود را در اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی ایفا کنند.
۳. همکاری با سازمان‌های مربوطه: همکاری با سازمان‌های دولتی، غیردولتی و سازمان‌های حقوق بشر، کمک به ترویج آگاهی درباره راهکارهای پیشگیری از خشونت و پرخاشگری در کودکان. این سازمان‌ها می‌توانند برنامه‌های آموزشی، کمپین‌ها و تحقیقات را اجرا کنند تا افراد را درباره خطرات خشونت به کودکان آگاه سازند.

نتیجه گیری:

خشونت و پرخاشگری در کودکان یک مسئله جامعه‌شناختی و روانشناختی است که نیازمند توجه و همکاری بین خانواده، مدرسه و جامعه است. علل و عوامل به وجود آمدن این مسئله چندگانه هستند و راهکارهای متعددی برای پیشگیری و آموزش مهارت‌های اجتماعی، آموزش مهارت‌های حل تعارض، مهارت‌های مذاکره و همکاری، کنترل مداخله وجود دارد. خانواده با تأسیس ارتباط عمیق با کودکان، ارائه مدل‌های صحیح رفتاری و محدود کردن دسترسی به محتواهای خشونت‌آمیز می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از خشونت و پرخاشگری ایفا کند. همچنین، معلمان با آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان، شناسایی و مداخله سریع در صورت لزوم و توانمندسازی خود، نقش مؤثری در کنترل و پیشگیری از خشونت و پرخاشگری دانش‌آموزان دارند.

برای مواجهه با این چالش، همکاری بین خانواده و مدرسه ضروری است. ارتباط نزدیک معلمان با والدین، برگزاری کلاس‌های آموزشی برای والدین و معلمان، مشاوره خانواده و تقویت روابط خانوادگی سالم از جمله راهکارهای موثر هستند. همچنین، ارائه آموزش‌های مستمر به معلمان در خصوص شناسایی و مداخله در خشونت و پرخاشگری، تقویت مهارت‌های ارتباطی و مدیریت کلاس نیز بهبود قابل توجهی را به همراه دارد.

از آنجا که خشونت و پرخاشگری در کودکان مسئله‌ای پیچیده است، برای مواجهه با آن نیازمند تلاش‌های گسترده و همکاری بین افراد و نهادها می‌باشیم. تربیت کودکان به عنوان آینده جامعه، مسئولیت بزرگی است و تلاش برای شناسایی علل و عوامل خشونت و پرخاشگری، ارائه راهکارهای پیشگیری و مداخله موثر، و تقویت نقش خانواده و معلمان بسیار حائز اهمیت است تا به دنیایی بدون خشونت و پرخاشگری برسیم.

منابع:

- کبری، رضا (۱۳۸۵) ماهیت پرخاشگری، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی، ص. ۷۶. ۲.
- بازرگان، زهرا (۱۳۸۴) بررسی پرخاشگری کلامی در مدارس راهنمایی، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران: سال ۲۵، شماره ۲، ص. ۱۲-۲۴. ۳.
- بازرگان، زهرا (۱۳۸۷) بررسی پرخاشگری کلامی در مدارس متوسطه، مجله روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران: سال ۳۳، شماره ۱، ص. ۱-۲۸.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳) مباحثی در علوم جنایی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸، ص ۴۹-۱۴۰. ۱۵۲.
- Megargee and Hokanson(1997) ,”The Dynamics Aggressi On. Lndividual ,Group and international analysis , Hariper & Row” ,p15.
- Bullying, An Annual Review of Research, Vol, I. Chicago: University of Chicago press, p.122.
- Gelles, R. Harrop. J (2002), Verbal Aggression by Parents and Psychosocial Problems of Children, University of Rhode Island, Kingston, p.47.
- Hojjat, M.R (1995), Developmental Pathways to Violence: A Psychodynamic Paradigm. Peace Psychology Review, vol.1, No, 6 .pp112-127.
- Kathy, Bosch (2007), When Words are Used as Weapons, Verbal Abuse, published by University of Nebraska, Lincoln Extension,p.73.
- Menaker,J(1994).Factors Affecting School Vandalism and Violence , Journal of National Organization Legal Problem,Vol.2,No.12.pp7-19.